

## نگاه

## چرا با پیمان الجزایر مخالفت می‌شد؟

### علی موسوی‌خلخال۱ ـ روزنامه‌نگار

● صدور بیانیه مشترک میان ایران و عراق که در آن بر لزوم اجرای کامل پیمان ۱۹۷۵ الجزایر با همه پروتکل‌ها و ضمائم آن همچنین لایروبی «شط‌العرب» (عبارتی که در بیانیه آمده) تأکید شده است، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سفر روحانی به عراق بوده است. به این ترتیب، می‌توان گفت بخش عمده انتظارات روحانی از سفرش به عراق برآورده شد. پیمان الجزایر سندی است که سال ۱۹۷۵ با میانجی‌گری هواری بومدین، رئیس‌جمهوری فقید الجزایر و به میزبانی کشور او به امضا رسید و به گواه بسیاری از کارشناسان، یکی از دقیق‌ترین و کامل‌ترین معاهداتی بود که میان دو کشور به امضا می‌رسید. صدام‌حسین که در آن موقع معاون رئیس‌جمهور (همه‌کاره) عراق بود، در ابتدا روی این معاهده مانور داد و آن را دستاورد بزرگی برای خود خواند اما در بحبوحه انقلاب اسلامی از در مخالفت با آن در آمد و آن را معاهده‌ای یک‌جانبه به سود ایران توصیف کرد و در نهایت آن را پاره و جنگ تحمیلی را آغاز کرد. کارشناسان معتقدند این معاهده آن‌قدر کامل و فراگیر است که نیاز به مذاکره مجدد ندارد. در این پیمان حتی درباره چگونگی جرای احشام دو کشور نیز توافق شده است. صدام‌حسین تا زمانی که بر سر کار بود، حتی زمانی که در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) که جنگ تحمیلی به پایان رسید و قبول کرد که مبنای آتش‌بس پیمان الجزایر باشد، علیه آن به‌شدت تبلیغ می‌کرد و افکار عمومی عراق را همواره در موضعی تهاجمی نسبت به این پیمان قرار می‌داد.

سال ۲۰۰۳ که سقوط حکومت صدام‌حسین رقم خورد، با وجود اینکه دوستان ایران (پوزسیون زمان صدام‌حسین) در عراق به قدرت رسیدند، همچنان دولت‌های جدید عراق از پذیرفتن و اجرای کامل این پیمان سر باز می‌زدند. حتی جلال طالبانی، رئیس‌جمهوری فقید عراق، در دور اول ریاست‌جمهوری خود یک بار علیه این پیمان موضع‌گیری کرد و ابراهیم جعفری، نخست‌وزیر که بعدا وزیر امور خارجه شد، نیز نسبت به آن موضع داشت. پرسشی که همواره مطرح می‌شد، این بود که مخالفت با پیمان الجزایر در زمان صدام‌حسین قابل درک است اما چرا بعد از سقوط او یا این مخالفت می‌شد؟

مسئولان وزارت امور خارجه ایران می‌گویند در دولت‌های قبلی عراق هر بار که با طرف‌های عراقی درباره پیمان الجزایر صحبت می‌شد، هر گونه پرداختن به آن را رد می‌کردند و می‌گفتند فضای سیاسی آن‌قدر علیه آن سنگین و حساسیت‌ها بالااست که به هیچ وجه نمی‌توان طرف آن رفت.

دلایل این مخالفت را در دو مسئله می‌توان جست‌وجو کرد؛ واقعیت این است که با وجود سقوط حکومت یعنی در عراق، تأثیر این جریان با رسانه‌هایی که در اختیار دارد، بر افکار عمومی بسیار بالااست. بسیاری از اعضای سابق حزب بعث که قبل از سقوطش از جا جدا شدند حتی کسانی که در دهه ۸۰ به اپوزیسیون پیوستند، مانند اید علاوی، همچنان چهره‌های بودند که متأثر از اندیشه‌های حزب بعث ماندند و این مسئله سبب می‌شد مخالفتشان با پیمان الجزایر نهادینه و ابدی باشد. آنها رسانه‌های مؤثری مانند شبکه تلویزیونی الشریقه (دومین شبکه پربیننده عراق) را در اختیار دارند که می‌توانند بسیاری از القائات خود را به افکار عمومی منتقل کنند. همچنین بسیاری از اعضای سابق حزب بعث همچنان در رده‌های پایین حکومتی از جمله در وزارت امور خارجه عراق حضور و نفوذ دارند.

اما این قفط حزب بعث نیست که با پیمان الجزایر مخالفت دارد، احزاب دیگر از جمله برخی احزاب اسلامی مثل حزب الدعوة اسلامی که از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۸ قدرت را در دست داشت، نیز با این پیمان مخالف هستند. نگاه حزب الدعوة به این پیمان به دو گروه تقسیم می‌شود؛ یک گروه اساسا پذیرفته‌اند نباید پیمان الجزایر را پذیرفت و یک گروه معتقدند پیمان الجزایر معاهده‌ای تمام‌شده و پذیرفتنی است اما به دلیل نگاه منفی افکار عمومی نباید به آن پرداخت. در حالی است که بعضی احزاب دیگر از جمله مجلس اعلای اسلامی عراق، سازمان بدر و جریان حکمت ملی بر این باورند پیمان الجزایر واقعیتی گریزناپذیر است و نباید آن را دستاویز سیاسی گروه‌های مغرض متأثر از انقلاب حزب بعث قرار داد.

در یک ماه اخیر که مذاکرات ایران و عراق بر سر توافق برای اجرای پیمان الجزایر و پروتکل‌ها و ضمائم آن جریان داشت، مؤنور تبلیغاتی جریان‌های مخالف این پیمان به‌شدت علیه آن تبلیغ و فشارهای بسیاری را به دولت عراق وارد می‌کرد. اما این اراده شخص عادل عبدالمطلب، نخست‌وزیر عراق، بود که اصرار داشت به هر نحوی شده این توافق به سرانجام برسد تا به این ترتیب، یکی دیگر از بقایای جنگ صدام از میان برداشته شود.

politics@sharghdaily.ir

# دیدار با آیت‌الله

حسین جلالی

دیروز صبح در آخرین و سومین روز سفر هیئت ایرانی به عراق، ریاست‌جمهوری اسلامی ایران و چند عضو کابینه به دیدار آیت‌الله سیستانی در نجف رفتند. دیداری تاریخی در بحبوحه تشدید فشار آمریکا بر ایران. این اولین دیدار رئیس‌جمهور ایران با زعیم حوزه نجف است. دیروز درباره تأثیر و اهمیت این دیدار برای ایران نوشتیم؛ چراکه به تعبیر حسین رویوران «مرجعیت در عراق، پایگاه اجتماعی گسترده‌ای دارد و به خاطر داشتن این پایگاه، امر ایشان مطاع است؛ به عبارتی اگر فردا بگوید نخست‌وزیر باید کنار برود، حضور مردم در صحنه به قدری خواهد بود که دولت نمی‌تواند ادامه دهد». به این ترتیب نفس این دیدار در برهه‌ای که آیت‌الله سیستانی به خاطر شرایط نامناسب مردم عراق با مقامات این کشور دیدار نمی‌کند، پیام مهمی دارد. در صفحه امروز، آیت‌الله سیستانی، از منظر فقه سیاسی و جایگاه حوزوی او بررسی شده؛ علی میرموسوی، رئیس گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید قم درباره نگاه فقهی این مرجع بزرگ شیعیان به سیاست و علی‌اشرف فتحی، پژوهشگر حوزه و سردبیر مجله تقریرات، از مناسبات حاکم بر حوزه‌ها و جایگاه آیت‌الله سیستانی گفتند.

سید علی میرموسوی، عضو هیئت علمی و مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید قم

## آیت‌الله سیستانی به تعامل با جهان غیرمسلمان اعتقاد دارند

اکثریت نداشته باشد». در این دیدگاه اقتدار نهاد دین

در حوزه عمومی، به اموری محدود می‌شود که به امر دین برمی‌گردد و امور عرفی در حوزه اقتدار دولت قرار می‌گیرد. در مورد قلمرو اقتدار و ولایت فقیه هم ایشان مثل استادشان، مرحوم آیت‌الله خونی، به ولایت در امور حسیبه باور دارند.

امور حسیبه اموری

است که خداوند راضی به زمین‌گذاشتن و ترک‌شدن آنها نیست. درباره دایره امور حسیبه اختلاف وجود دارد. در دیدگاه آقای سیستانی دایره

این امور مقداری گسترده‌تر از دیدگاه‌های فقه‌ای قرن‌های دین و نهاد دولت را مورد توجه قرار می‌دهد. در این دیدگاه نهاد دین، یک نهاد مدنی است و اقتدار آن در حوزه عمومی، به پذیرش آن از جانب مردم استوار است. نهاد دین بر دولت، اشراف و نظارت دارد.

آیت‌الله سیستانی در پاسخ به پرسشی درباره رابطه

دین و دولت می‌گوید: «حکومت از اراده اکثریت

نشئت می‌گیرد و حکومت هیچ مخالفتی با دین

یک اعمال نظارت و اشراف مدنی نهاد دینی محقق می‌شود.

✎ در ایران برای عدم مغایرت قوانین با شرع، نهاد شورای نگهبان را داریم که سازوکار آن مشخص است. اما سازوکار این اشراف مدنی چطور است، آیا مثالی از تصویب‌شدن قانونی مغایر دین در عراق وجود دارد؟

الان به‌طور مشخص مورد خاص را به یاد نمی‌آورم. ولی زمانی که بحث تدوین قانون اساسی عراق بود، با هدایت ایشان و دیگر مراجع در ماده دوم قانون اساسی عراق اسلام به عنوان دین رسمی کشور و یک منبع اساسی برای قانون‌گذاری شناسایی شد و مغایرت‌ناشتن قوانین با احکام بی‌چون‌وچرای اسلام نیز شرط تصویب قوانین شد.

بنابراین از دیدگاه ایشان، حکومت باید بر مبنای خواست و رأی مردم استوار باشد و مقررات حکومت هم نباید با دین اکثریت ناسازگار باشد. اما سازوکار

### نکته



**ایشان به نوعی در فقه به تعامل با جهان غیرمسلمان و همچنین تعامل با دیگر فرقه‌های مسلمان در حوزه جهان اسلام اعتقاد دارند**

ایشان امور مربوط به حفظ نظام، نیز از در امور حسیبه قرار دارد. ایشان حکومت را یک امر عرفی می‌دانند که این نهاد عرفی در امر قانون‌گذاری باید رعایت جانب احکام و مقررات دینی را داشته باشد.

در این دیدگاه مقررات حاکم بر جامعه نباید با احکام و شریعت اسلامی ناسازگار باشد. البته این امر از راه

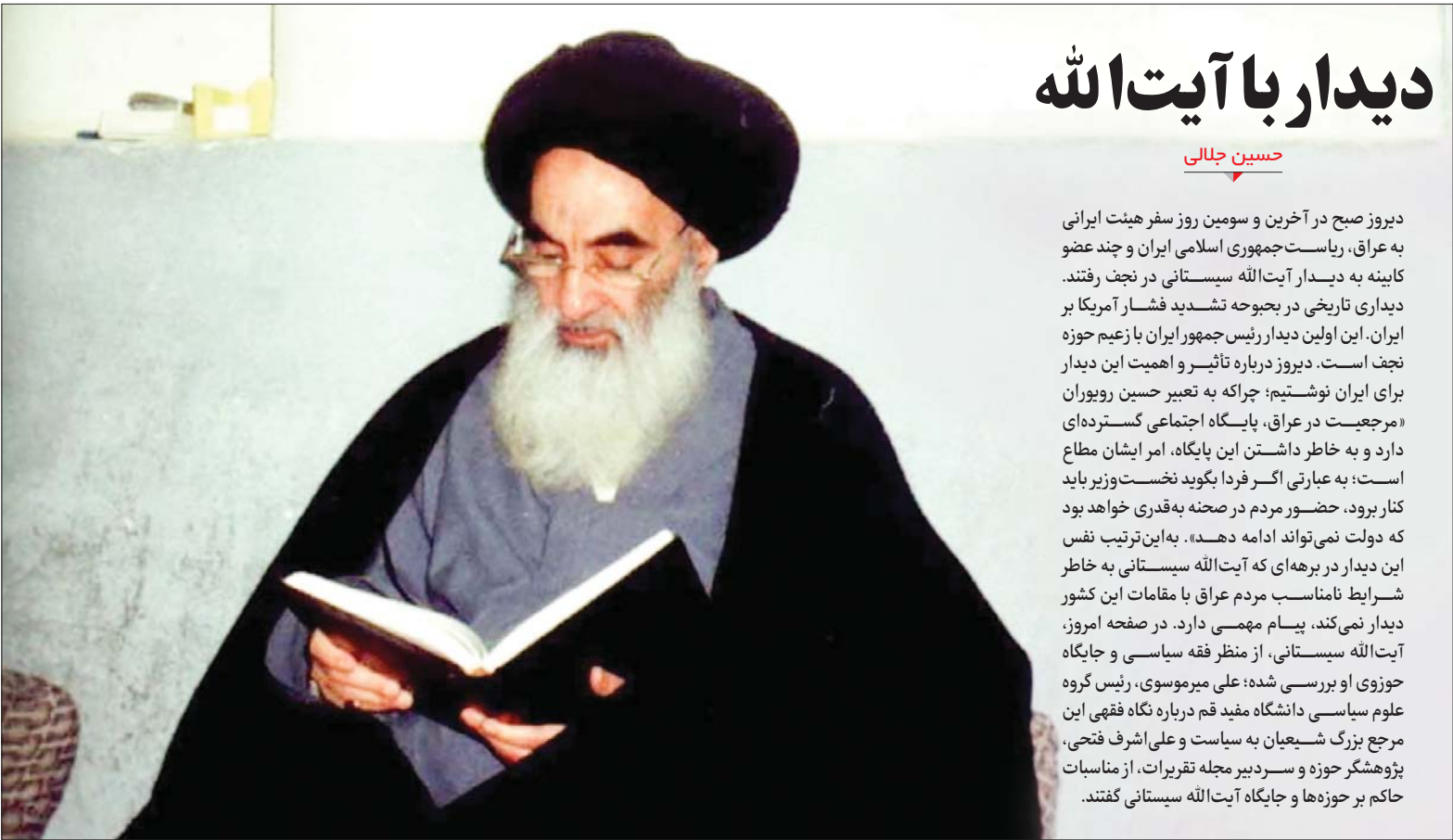
نگاهی به ریشه‌های فکری آیت‌الله از مشهد تا نجف در گفت‌وگو با علی‌اشرف فتحی

## میراث‌دار وضعیت حوزه از یک قرن پیش

اما آقای خویی چندین دهه در حوزه نجف فعال و به‌شدت شاگردپرور بودند، توان و فرصت بیشتری هم از آقای بروجرودی داشته‌اند. آقای بروجرودی ۸۶ سال عمر کردند و آقای خویی ۹۳ سال. به همین دلیل تألیفات ایشان هم بیشتر شد و اینها کمک کرد که مکتب ایشان در حوزه‌ها جا بیفتد. شما الان به حوزه قم هم که بروید مطلقا هیچ درس خارجی مقابل ایشان را عین حالی که از نیروهای صدام حسین حمایت نکردند و البته تذکرهاى متعددی که به دولتمردان عراق درباره فساد اقتصادی و اداری می‌دهند. در عراق هم فساد اقتصادی و اداری زیادی وجود دارد، مردم ناراضی‌تری فراوانی دارند و به نوعی آقای سیستانی خود را سخنگوی مردم قرار داده‌اند. به لحاظ مبنایی و نظری در سایت و آثار آقای سیستانی هم آمده که ایشان قائل به دخالت مستقیم روحانیون در مسائل اجرایی و مسائل ریز مدیریتی نیستند. اصرار ایشان این است که روحانیون به وظایف دینی خودشان بپردازند. البته این دیدگاه ربطی به تجربه ایران ندارد.

نجف بعد از اتفاقات مشروطه، یعنی از حدود یک قرن پیش، بر این باور بود که دخالت مستقیم در امر سیاسی به تضعیف حوزه و تضعیف جایگاه آن میان مردم منجر می‌شود، به همین خاطر نجفی‌ها بعد از دوره آخوندخراسانی و اتفاقات تلخی که در انقلاب مشروطه افتاد و مشخصا بعد از اشغال عراق در جریان جنگ جهانی اول تصمیم گرفتند که مسائل سیاسی را کنار بگذارند. آقای سیستانی میراث‌دار وضعیت است که یک قرن پیش به وجود آمده، کمابینکه آقای خونی، آقای بروجرودی و آقای حائری‌یزدی که حوزه علمیه قم را بنیان گذاشت هم میراث‌دار این جریان بودند. بنابراین نگاه سیاسی این فقها یک نگاه قدیمی است.

✎ آقای سیستانی در چه فرایندی به مرجع بلاننارع شیعیان عراق تبدیل شدند؟ آیت‌الله خونی اواخر عمر خود در حصر خانگی بودند و فشار زیادی به ایشان آمد، به این خاطر که از شورش مردم عراق علیه صدام حسین حمایت کردند. در ۱۵۰ سال آخر عمر مرحوم خونی؛ یعنی از سال‌های ۵۸، ۵۹ تا سال ۷۱ به‌تدریج بسیاری از شاگردان مهم ایشان زندانی یا از عراق اخراج شدند. حدود ربع قرن است که ایشان در این عرصه حضور



سید علی میرموسوی، عضو هیئت علمی و مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید قم

رسمی‌ای برای این کار پیشنهاد نمی‌دهند. حضور قوی و نیرومند نهاد دین در عرصه اجتماع و در جامعه مدنی به نوعی می‌تواند به خواست مردم مورد توجه قرار بگیرد تا در نهایت نمایندگان نیز در تدوین و تصویب قوانین برخلاف شریعت عمل نکنند.

✎ اگر بخواهید طیفی از فقه سیاسی مراجع امروز ارائه دهید، ما چند گرایش عمده در فقه سیاسی

داریم و آقای سیستانی کجای آن می‌ایستد؟ در دوران معاصر در ارتباط با بحث حاکمیت و اینکه حاکم چه کسی باید باشد، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شد. این دیدگاه‌ها را می‌توان در قالب چند گروه تقسیم کرد؛ نخست دیدگاهی که بر مبنای نگرش الهی به مشروعیت، حکومت را نهادهای انتصابی از جانب خداوند می‌داند و معتقد هستند حاکم کسی است که از طرف خداوند نصب شده باشد؛ اینها نظریه ولایت انتصابی فقیهه را مطرح می‌کنند. البته نظر ولایت انتصابی فقیه هم برداشت‌های متعددی دارد؛ عده‌ای ولایت انتصابی عامه و مقیده را مطرح می‌کنند، برخی انتصابی مطلقه و البته عده‌ای هم نقش رای و خواست مردم را در مشروعیت‌بخشی به حکومت به عنوان یک شرط می‌پذیرند.

ادامه در صفحه ۱۵

### روژه

### حسن لاسجردی، کارشناس مسائل خاورمیانه عیار ارتباط ما و عراق

● حسن لاسجردی، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل خاورمیانه، سفر روحانی را به عراق در شرایطی که آمریکا ایران را مورد تحریم قرار داده و به عراق پیشنهاد همراهی در این زمینه داده است، قابل اهمیت عنوان کرده و می‌گوید این سفر می‌تواند فرصتی برای تعمیق روابط ایران با عراق و فرصتی برای افزایش مراودات تجاری ایران با این کشور باشد.

لاسجردی با بیان اینکه سفر آقای روحانی به کشور عراق از چندین منظر حائز اهمیت است، می‌گوید: اول اینکه این اولین سفر رئیس‌جمهور به کشور عراق است. دومین نکته به‌خاطر جایگاه ایران و عراق در مناسبات جدید منطقه است و سومین نکته که شاید خیلی مهم باشد، این است که در فضای تحولات منطقه، ایران و عراق امروز دو بازیگر مؤثر هستند؛ چه در بحث‌های مربوط به انرژی، نفت و بحث‌های مربوط به تروریسم و چه بحث‌های مربوط به دسته‌بندی‌های جدید منطقه و بحث‌های مربوط به موضوع اعتقادی و عقیدتی منطقه و جمعیت شیعیان و سنیان. ایران و عراق به جهت داشتن قابلیت‌های مختلف می‌توانند در منطقه غرب آسیا مؤثر باشند، به این دلیل که دارای قابلیت و فرصت‌های زیادی هستند، اما مهم‌ترین نکته سفر آقای روحانی اینکه این سفر زمانی انجام شده که در ماه‌های گذشته بده‌بستان‌های زیادی بین ایران و عراق وجود داشته است.

این استاد دانشگاه افزود: ما با عراقی‌ها در دو سال گذشته صحناتی باز و دوره‌ای را طراحی کردیم که به نظر می‌رسد می‌تواند خیلی مؤثر باشد. نکته دیگری که در همین فضا مهم است سفر رئیس‌جمهور عراق به کشور ماست.



رئیس‌جمهور عراق در قالب یک سفر منطقه‌ای از ایران هم بازدید کرد که بسیاری این سفر را حائز اهمیت می‌دانستند و دلیل آن هم این بود که معتقد بودند ایران در اولویت کشور عراق قرار دارد و بنابراین برای مسئولان ما و عراق، اصل خود موضوع، روابط و سطح آن و موضوعاتی که می‌توانیم با هم حل‌وفصل کنیم نشان‌دهنده اهمیت این دیدارهاست. وی تصریح کرد: مهم‌ترین مسئله‌ای که در این سفر شاید برای ما و عراقی‌ها مهم باشد، تأثیرات این سفر است که به لحاظ تبلیغات رسانه‌ای بسیار پررنگ خواهد شد و نکته دوم این است که به هر صورت عراقی‌ها، به‌ویژه در انتخابات اخیرشان نشان دادند که افراد میانه‌روتر و مستقل‌تری به نسبت افراد قبلی در مسند قرار دارند. بسیاری نیز معتقد بودند امکان دارد که عراقی‌ها با تیم جدیدشان از ما فاصله بگیرند، اما این سفر عیار ارتباط ما و عیار این حرفی است که مدت‌ها توسط برخی

از رسانه‌های عربی زده می‌شود که عراق از ایران فاصله خواهد گرفت. از این نظر هم می‌تواند این سفر مهم و آینده‌نگرانه باشد. این استاد دانشگاه افزود: ما با عراقی‌ها روابط مناسب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داریم که در این سفر برخی از مشکلات باقی‌مانده مهم تاریخی‌مان مانند بحث ارونند، مسائل بانکی و نفتی و مبحث زیربنایی‌مان حل خواهد شد. علت اساسی این سفر بسیار مهم این است که ما درحال‌حاضر در شرایط خاص تحریمی هستیم و اگر می‌خواهیم بخشی از تحریم‌ها را مدیریت کنیم و از تهدیدها فرصت بسازیم شاید عراقی‌ها بتوانند یک حلقه وصل مناسب و فرصت مناسبی در اختیار ما قرار دهند، به این جهت هم این سفر بسیار مؤثر است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود درباره اینکه این سفر حاوی چه پیامی برای آمریکا خواهد بود، می‌گوید: همان‌طور که خود ترامپ هم اعلام کرد، به نوعی آمریکایی‌ها خواهند بخشند که با واکنش منفی مقامات عراقی مواجه شدند. وی با بیان اینکه به نظر می‌رسد به لحاظ روانی ترامپ نتوانست، هم جامعه نخبگان و مقامات و همچنین جامعه عمومی عراق را مجاب کند و درمجموع به نفعش نشد، می‌گوید: به نظر می‌رسد در شرایط فعلی نوع معاشرت ما با عراقی‌ها و نوع ارتباطاتمان، نوع سفر و دیدوبازدیدها و دیدار رئیس‌جمهور با مقامات و گروه‌های سیاسی و دیدار با مراجع و قبایل این سفر می‌تواند برای آینده روابط ما مؤثر باشد.

لاسجردی با بیان اینکه در این دوره مشخص آیت‌الله خونی اواخر عمر خود در حصر خانگی بودند و فشار زیادی به ایشان آمد، به این خاطر که از شورش مردم عراق علیه صدام حسین حمایت کردند. در ۱۵۰ سال آخر عمر مرحوم خونی؛ یعنی از سال‌های ۵۸، ۵۹ تا سال ۷۱ به‌تدریج بسیاری از شاگردان مهم ایشان زندانی یا از عراق اخراج شدند.

ادامه در صفحه ۱۵